



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۱/۰۲

نگارگر

## و این هم پاسخ آن دلارام سفر کرده از کشور

مرا ماندی به طعنه دوست دشمن ++ به طعنه می گشندم کی میایی

این من نیستم که به رضا و رغبت خود رخت سفر می بندم و میروم بلکه حقیقت این است که مرا قهراً بیرون می افکنند. من تنها در میان مردان و زنان متعادل میتوانم بمانم و شاهد صفا و صمیمیت باشم. وقتی در خانه ای مردی دست بالا کرد وزنی را زیر زدن گرفت و یا زنی زبان باز کرد و عیب های مردی را که سالها با او زیسته است با شاخی باد کرد آنجا مینای صلح می شکند و آن مینا دل لیلای صلح است بنابراین لیلی با دل شکسته از آن خانه بیرون می رود و صفا و صمیمیت را با خود می برد؛ عشق از آن خانه می کوچد و جنگ و نفرت محموله های تلخی و زهر را جا به جا میکند. دلی را که زنبور کینه نیش میزند آن دل آماس میکند و دیگر نیازی به صفا و آرامش ندارد و دست مرا میگیرد و از در بیرون می اندازد یعنی قبل از دیگران مرا آواره و مهاجر می سازد و لیلای رانده شده باید خانه تازه پیدا کند که کانون صفا و آرامش باشد.

وقتی کودکان یتیم و بی سرپرست بی هدف در کوچه ها می دوند و از این و آن استمداد می کنند ولی دولت حاکم و عناصر دلسوز نمیتوانند و نمیخواهند برای این کودکان پناهگاهی ایجاد کنند و آنان را به کار تعلیم و تربیه بگمارند مینای امید در دل آنان می شکند و این مینای شکسته نیز دل لیلای بیچاره است که شکسته است. این کودکان شکار حاضر و آماده مواد مخدر میشوند و در جستجوی گریز از خود به دیو سیاه دود تریاک پناه می برند و اراده حاکم بر خویشتن را از دست میدهند و حاضر می شوند دنیا و عقبی را برای یک دود بفروشند.

به همین قیاس بالا تر برو وقتی سیاستمداران اراده آزاد مردم را به زور و با نیرنگ به کف بگیرند و همانند چرخکی که دست دیگری آنرا چرخانده است به دور خود برقصند و جز خود دیگری را نبینند و برای خود متوسل به زور و حيله و نیرنگ شوند محیطی از کینه توزی و دشمنی ایجاد میکنند که حسن تفاهم در آن دیار از میان می رود و اعتماد متقابل صدمه می بیند و بالاخره غرش کر کننده رعد و برق جنگ در کشور طنین می اندازد. وقتی مینای اعتماد متقابل در جامعه شکست و فرد اراده خود را به جای اراده جامعه گذاشت این دل لیلای صلح است که می شکند و لیلی را وامیدارد که دل شکسته خود را بردارد و بیرون برود. صلح با آرزو به دست نمی آید بلکه با اراده به دست می آید.

**حرف اول** اراده الف است و معنایش اینکه اراده کننده صلح باید مانند الف مستقیم باشد و کجی در کارش نباشد.

**حرف دوم** اراده (ر) است که نمودار راستی و صداقت است.

**حرف سوم** اراده باز الف است که حرف اول امین است. صلح طلب باید امین باشد و قدرت را امانت مردم

بداند. آری اگر قدرت از مردم است پس تنها مردم میتوانند آنرا به کسانی که میخواهند به امانت بدهند و سیاستمداران

باید بدانند که مردم در همه جا بر سینه قدرت فردی دست رد کوفته اند بنابراین در همه کشورهای گرفتار هیولای

جنگ این تمرکز قدرت به دست فرد است که آتش جنگ بر افروخته است و بنابراین هر جامعه نیازمند سیاست

حزبی و پارلمانی است که در آن مردم بدون عناصر زور؛ رشوه؛ تقلب و دیگر خطا کاری ها امانت قدرت را برای

یک دوره پارلمانی به یک حزب میدهند و هرگونه دعوی قدرت را برخلاف اراده آزاد مردم میداند.

**حرف چارم** اراده (دال) است که بر سر درایت و دوراندیشی می آید و آنکه داعیه رهبری دارد باید دارای درایت

کافی باشد و دور اندیش باشد و فردای خود را به روشنی ببیند. به طور مثال نلسن مندیلا نمی توانست مانند بشار

اسد یا یوتوشینکو دوبا را در یک موزه و خود را بر اسپ قدرت آویزان کند؟ اما او درایت و دوراندیشی داشت

و نمی خواست قانون را بشکند و در میان پیروان خود یک یادگار زشت بگذارد. بالاخره

**آخرین حرف** اراده (ه) است که از همت نمایندگی میکند و همت مقتضی آن است که صاحب همت گدای قدرت نیابد

باشد. استغنا طبع و همت از سیاستمدار می خواهد که کشور خود را بی نیاز از این و آن بسازد و مردم را نیز

استغنا طبع بدهد تا در دیار خود همه نیاز های خود را خود بر آورده سازند. در دیار مردان و زنان بی نیاز نیازی

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

به جنگ نیست. نه دین را به زور تفنگ بر مردم تحمیل کنید که دین تحمیل شده همان ریا کاری است که صد بت در آستین دارد و شاعر درباره اش گفته است:

خدا زان خرقه بیزار است صد بار ++ که صد بت باشدش در آستینی  
ونه سیاست و عقیده سیاسی را به زور وقایه و بر مردم تحمیل کنید که

طشت رسوایی رژیم های توتالیتر در بسیاری کشورها از بام افتاد و آنجا که نیفتاده است نیز می افتد. لیلای صلح نیز به کابین نیاز دارد و کابینش صفا و صمیمیت است وقتی انسان با خود صلح کرد آسان تر میتواند با دیگران نیز صلح کند. وقتی تو فرزند دیگری را چون فرزند خود پروردی و دلت از گزیدن های زنبور کینه در امان شد کابین لیلای صلح را پرداخته ای و لیلای آواره که از هیچ جا به خواست خود آواره نمی شود به خانه ات باز میگردد و با خود صیخ صفا و تبسم های شادمانی را می آرد. گل صلح در دل های بی کینه شگوفان میشود نه در قراردادهای روی کاغذ. والسلام نامه تمام ندای لیلای آواره و نگارش نگارگر ۳۰ دسمبر ۲۰۲۰ برمنگهم